

## نمود قدرت بی‌پایان الهی در چهره‌ها و نغمه‌ها نگاهی نوبه‌کریمه ۲۲ روم

محمد نقیب‌زاده\*

### چکیده

از نشانه‌های خداوند، که در آیه بیست و دوم سوره مبارکه روم به آن اشاره شده، اختلاف در الوان و السنه انسان‌هاست. تفاوت در الوان انسانی، با توجه به معنای لغوی «لون» و نیز بر اساس سایر کاربردهای این واژه در قرآن و دیدگاه‌های تفسیری، منحصر به اختلاف در رنگ پوست آدمیان نیست، بلکه اختلافات در چهره و شکل قیافه آنان را نیز دربر می‌گیرد. این تفاوت‌های چهره‌ای، در عین ایجاد اشتراکات و مشابهت‌هایی میان دسته‌های مختلف انسانی، شگفتی خلقت و تصویرگری خداوند را نمایان می‌سازد. در خصوص اختلاف السنه نیز، مفسران متعددی آن را شامل تفاوت‌های موجود در آوای صدای انسان‌ها دانسته‌اند که به لحاظ تفاوت در عین مشابهت میان آهنگ صداها، عظمت خلقت، آشکار می‌گردد. اشتراکات در چهره و صدا، زمینه‌ساز شناخت، ارتباط و محبت و اختلافات در این دو، عامل جداسازی و شناسایی انسان‌ها محسوب می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** آیات الهی، اختلاف الوان و السنه، قیافه‌های انسانی، آهنگ آوای انسان‌ها.

## مقدمه

از مظاهر قدرت نامحدود الهی در خلقت انسان‌ها، وجود اختلافات شگفت در چهره و قیافه ظاهری آنها با یکدیگر، در عین وجود مشابهت‌های پیچیده و متنوع در دسته‌های گوناگون انسانی است؛ به گونه‌ای که آن اختلافات، باعث شناسایی و جداسازی آدمیان می‌شود و مشابهت‌ها نیز ضمن تأثیر در ایجاد ارتباط و حفظ محبت میان هریک از دسته‌های انسانی، موجب شناخت هر دسته در مقایسه با دسته‌های دیگر می‌گردد. همین شگفتی در مورد آوای حنجره و تارهای صوتی متنوع و مختلف نیز دیده می‌شود که در عین وجود مشابهت در نغمه‌های صوتی دسته‌های انسانی، اختلافات جالب توجه در موسیقی صدای تک‌تک انسان‌ها با یکدیگر انکارناپذیر است که باز زمینه شناسایی انسان‌ها را فراهم می‌سازد.

قرآن کریم گوناگونی رنگ‌ها و زبان‌های انسان‌ها را از آیات الهی شمرده و دسته دسته شدن آنان به گروه‌های مختلف را عامل شناسایی و جداسازی آنها از یکدیگر دانسته است. در این مقاله ضمن بررسی آیات مربوط به تفاوت زبان‌ها و رنگ‌ها در انسان‌ها مقصود از این گوناگونی تحلیل می‌گردد و سپس به قلمروهای شگفت اشتراک و اختلاف در چهره‌ها و گویش‌های انسانی و تبیین قدرت لایزال الهی در آفرینش و در نهایت به فواید آنها در زندگی پرداخته می‌شود.

از جهت پیشینه پژوهش در این موضوع، جز سخنانی که برخی از مفسران ذیل آیه ۲۲ روم گفته‌اند و در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، تنها یک مقاله، مرتبط با موضوع مورد بحث، با عنوان «زبان‌ها و رنگ‌ها از نشانه‌های قدرت خداست»<sup>(۱)</sup> یافت شد. این مقاله، تنها در چهار صفحه، به موضوع اختلاف در چهره و زبان انسان‌ها پرداخته، اما موضوع مهم اختلاف در عین تشابه و نیز

## بررسی آیات مربوط به اختلاف الوان

موضوع اختلاف الوان در میان موجودات و از جمله در بین انسان‌ها، در چند آیه قرآن کریم مطرح شده است که در ذیل به آنها می‌پردازیم:

در یک آیه - که گویا گسترده‌ترین تعبیر را درباره تنوع در موجودات دارای الوان دارد - به اختلاف میان انواع آفریدگانی که خداوند، مسخر انسان ساخته، اشاره کرده است:

﴿وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾ (نحل: ۱۳)؛ و آنچه برای شما در زمین به الوان گوناگون آفرید [مسخر شما کرد] همانا در آن نشانه‌ای است برای مردمی که پند گیرند.

این آیه، به تعبیر مرحوم طبرسی، شامل انواع حیوانات، گیاهان، معادن و سایر نعمت‌هاست.<sup>(۲)</sup> در کریمه‌ای دیگر، ضمن بیان برخی از آیات الهی، به اختلاف الوان در موجودات زنده یعنی انسان‌ها، جانوران و دام‌ها پرداخته است:

﴿وَمِنَ النَّاسِ وَالْذَوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ﴾ (فاطر: ۲۸)؛ و از مردمان و جانوران و دام‌ها که انواعشان همان‌گونه<sup>(۳)</sup> مختلف است [پدید آوریم].

در آیه‌ای دیگر ضمن اشاره به گوناگونی میوه‌ها، به تفاوت الوان کوه‌ها پرداخته است:

از جهت پیشینه پژوهش در این موضوع، جز سخنانی که برخی از مفسران ذیل آیه ۲۲ روم گفته‌اند و در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، تنها یک مقاله، مرتبط با موضوع مورد بحث، با عنوان «زبان‌ها و رنگ‌ها از نشانه‌های قدرت خداست»<sup>(۱)</sup> یافت شد. این مقاله، تنها در چهار صفحه، به موضوع اختلاف در چهره و زبان انسان‌ها پرداخته، اما موضوع مهم اختلاف در عین تشابه و نیز

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ﴾ (فاطر: ۲۷)؛  
 آیا ندیده‌ای که خدای از آسمان [از ابر] آبی فرود آورد، پس با آن میوه‌های رنگارنگ بیرون آوردیم، و از کوه‌ها راه‌هایی به رنگ‌های گوناگون سفید و سرخ و سخت سیاه است؟  
 آیه‌ای نیز بخصوص تفاوت میان رویدنی‌های از زمین اشاره دارد:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَدَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (زمر: ۲۱)؛ آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو آورد پس آن را به چشمه‌سارهایی در زمین روان ساخت، آنگاه بدان [آب] کشتزارهایی به انواع گوناگون بیرون می‌آورد، سپس خشک گردد، پس آن را زرد شده بینی، آنگاه آن را شکسته و خرد می‌سازد. هر آینه خردمندان را در آن یادکرد و پندی است.

### تحلیل لغوی مقصود از اختلاف در الوان

برخلاف برداشت ظاهری و عرفی از واژه لون، به نظر می‌رسد این واژه در آیات مذکور، به معنای خصوص رنگ ظاهر پوسته موجودات مادی با دامنه محدودی از رنگ‌ها نیست، بلکه می‌تواند با معنایی فراتر - با توجه به اختلافات وسیع میان اشیای هم‌جنس - قلمرو بسیار وسیعی از تنوع و اختلاف را دربرگیرد.

واژه‌پژوه اواخر قرن سوم و اوائل قرن چهارم، ابن‌درید، لون هر شیء را به معنای مایه امتیاز و جدایی میان آن و دیگر اشیا دانسته و به دنبال آن، آیه ﴿وَإِخْتِلَافٌ أَلْوَانِكُمْ﴾ را آورده است. وی در ادامه، به دو کاربرد تلون در انسان، به معنای دگرگونی اخلاقی وی و لون به معنای نوع خاصی از خرما، اشاره کرده است. (۴) دیگر لغوی پس از وی، ابن‌فارس، لون را به «سحنة الشیء» به معنای هیئت و شکل شیء دانسته است و لون به معنای رنگ را کاربرد وی از همین معنا شمرده و در ادامه

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ﴾ (فاطر: ۲۷)؛  
 آیا ندیده‌ای که خدای از آسمان [از ابر] آبی فرود آورد، پس با آن میوه‌های رنگارنگ بیرون آوردیم، و از کوه‌ها راه‌هایی به رنگ‌های گوناگون سفید و سرخ و سخت سیاه است؟

آیه‌ای نیز بخصوص تفاوت میان رویدنی‌های از زمین اشاره دارد:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَدَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (زمر: ۲۱)؛ آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو آورد پس آن را به چشمه‌سارهایی در زمین روان ساخت، آنگاه بدان [آب] کشتزارهایی به انواع گوناگون بیرون می‌آورد، سپس خشک گردد، پس آن را زرد شده بینی، آنگاه آن را شکسته و خرد می‌سازد. هر آینه خردمندان را در آن یادکرد و پندی است.

چنان‌که در یک آیه، تنوع موجود میان انواع عسل، از آیات الهی شمرده شده است:

﴿يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل: ۶۹)؛ از شکمش [زنبور عسل] آشامیدنی رنگارنگی بیرون می‌آید که در آن برای مردم شفاست. همانا در آن نشانه‌ای است برای مردمی که بیندیشند.

اما محور اصلی بحث مقاله حاضر، آیه بیست و دوم از سوره مبارکه روم است که با اشاره به اختلاف الوان میان انسان‌ها می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافُ

با واژه الوان اشاره کرده‌اند.<sup>(۱۵)</sup>

در روایات موجود در منابع عامه نیز در اشاره به انواع خرما، غذا، نوشیدنی، لباس، همچنین گونه‌های شتر و اقسام عذاب از واژه الوان استفاده شده است. تعبیری از قبیل «ألوان التمر»،<sup>(۱۶)</sup> «بأكلون ألوان الطعام ويشربون ألوان الشراب ويلبسون ألوان اللباس»<sup>(۱۷)</sup> یا «ألوان الإبل وأفنان الرقيق ورباط الخيل»<sup>(۱۸)</sup> و نیز «أَلْوَانٌ مِنْ الْعَذَابِ»<sup>(۱۹)</sup> در کتب روایی اهل سنت، همگی بر همان معنای گسترده نوع و نه خصوص رنگ دلالت دارد.

### دیدگاه مفسران در معنای الوان

مفسران متعددی، دست‌کم یکی از معانی واژه الوان را در آیات مورد اشاره، معنای نوع یا جنس گرفته‌اند هرچند برخی از آنان به تناسب موضوع آیه، احتمال معنای رنگ ظاهری را نیز منتفی ندانسته‌اند. در آیه بیست و یکم «زمر»، که اختلاف الوان در زراعت مطرح شده، شیخ طوسی و امین‌الاسلام طبرسی، الوان را به صنوف معنا کرده‌اند.<sup>(۲۰)</sup> زمخشری و بیضاوی نیز با اشاره به معنای صنف‌ها در واژه الوان، معنای هیئات را نیز محتمل دانسته‌اند.<sup>(۲۱)</sup> در آیه سیزدهم «نحل» که به اختلاف الوان مخلوقات زمینی پرداخته، معنای نوع، مورد توجه برخی مفسران بزرگ قرار گرفته است. از جمله آنها، علامه طباطبائی می‌نویسد: بعید نیست اختلاف الوان کنایه از اختلاف نوعی میان آنها باشد. در این صورت آیه مورد بحث، نزدیک به معنای آیه ﴿وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَبَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرُوعٌ وَنَخِيلٌ صُنُوفٌ وَأَنْجَبٌ صُنُوفٌ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِّصَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ﴾ (رعد: ۴) خواهد بود.<sup>(۲۲)</sup> مفسران دیگری نیز به معنای اصناف برای واژه الوان در آیه مزبور، تصریح کرده‌اند.<sup>(۲۳)</sup> نیز در آیات بیست و هفتم و بیست و هشتم

به دو کاربرد تلون در انسان به معنای دگرگونی اخلاقی وی و لون به معنای نوع خاصی از خرما اشاره کرده است.<sup>(۵)</sup> جوهری نیز در **صاحح اللغة** به معنای نوع در واژه لون تصریح کرده است.<sup>(۶)</sup> ابن منظور هم در **لسان العرب** ضمن اشاره به معنای «مایه امتیاز و جدایی بودن»، دو معنای هیئت و نوع را نیز از معانی این واژه برشمرده است.<sup>(۷)</sup> با این توضیحات به نظر می‌رسد واژه لون در لغت به دو معنای اصلی هیئت و نوع به کار رفته است که شاید بتوان با توجه به معنای اول در توضیحات ابن درید، معنای هیئت را نیز مندرج در تحت عنوان کلی نوع دانست؛ زیرا کاربردهایی که اهل لغت ذیل معنای هیئت طرح کرده‌اند - مانند رنگ اشیاء و صفت بدن<sup>(۸)</sup> - قابل اندراج در معنای گسترده نوع است.

راغب اصفهانی در توضیح واژه الوان به کاررفته در آیه ۲۲ روم، آن را اشاره به انواع رنگ‌ها و اختلاف صورت‌های انسانی دانسته که با وجود کثرت شمار انسان‌ها، هرکسی به هیئتی متفاوت با دیگران دیده می‌شود و این خود، بیانگر وسعت قدرت الهی است.<sup>(۹)</sup> وی در ادامه به کاربرد الوان در اجناس و انواع نیز اشاره کرده و به دو جمله «فلان أتى بالألوان من الأحاديث» و «تناول كذا ألوانا من الطعام» استناد کرده که الوان به معنای انواع سخن و انواع غذا به کار رفته است.<sup>(۱۰)</sup>

در کاربرد برخی روایات نیز همین معنای گسترده نوع دیده می‌شود؛ مثلاً در روایات متعددی از انواع عذاب، به «الوان النکال و العذاب»<sup>(۱۱)</sup> و از انواع بیماری‌ها به «الوان الاسقام»<sup>(۱۲)</sup> و از انواع فقر و برکت به «سبعین ألف لونٍ مِنَ الْفَقْرِ و سبعین ألف لونٍ مِنَ الْبَرَكَه» تعبیر شده است.<sup>(۱۳)</sup> نیز در موضوع گونه‌های مختلف غذاها، تعبیر «الوان الطعام» به صورت مکرر دیده می‌شود؛<sup>(۱۴)</sup> چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام در نامه به عثمان بن حنیف به انواع غذاها

### اختلاف و اشتراک در الوان انسانی

بر اساس معنای کلی پیش‌گفته، اختصاص دادن واژه الوان در آیه ۲۲ سوره روم به معنای رنگ‌های ظاهری پوست انسان‌ها، معنایی بسیار محدود و کم‌دامنه از معنای گسترده آن است. از این رو، می‌توان اختلاف در الوان انسان‌ها را به معنای تنوع بسیار گسترده میان آنها در قیافه ظاهری دانست که در قلمروهای گوناگونی نمود دارد.

حتی شاید بتوان با توجه به نکات واژه‌شناسی پیش‌گفته در کلمه لون، آیه مزبور را شامل همه انواع اختلافات میان انسان‌ها اعم از تفاوت‌های ظاهری، روحیات، خلیقات و حتی سلائق دانست که باز دایره گسترده‌تری را تشکیل خواهد داد، ولی این پژوهش بیشتر به دنبال اثبات شمول آیه نسبت به تفاوت‌های شکلی میان قیافه آدمیان است.

از آنجا که معمولاً وجود اختلاف در میان موجودات هم‌جنس، ملازم با وجود پاره‌ای از اشتراکات است، انسان‌ها نیز به رغم وجود تفاوت‌های فردی و جمعی با دیگران در شکل ظاهری، مشابهت‌های متنوعی با یکدیگر دارند که باز شگفتی‌برانگیز است.

در هریک از گروه‌های انسانی این اختلاف در عین اشتراک، دیده می‌شود. در کوچک‌ترین نهاد جمعی بشر یعنی در اعضای یک خانواده، فرزندان در عین اختلاف چهره‌شان با یکدیگر که جداکننده آنها از هم است، باهم شباهت دارند و گاه این اختلاف در عین شباهت، فرزندان یک پدر و مادر را به دو دسته شبیه به خانواده پدری و شبیه به خانواده مادری تقسیم می‌کند. حتی در میان فرزندان دو قلو نیز، اعم از دوقلوهای همسان و غیرهمسان، این اختلاف، به نسبتی متفاوت مشاهده می‌شود که از آن، به تفاوت‌های فردی تعبیر می‌شود. این تفاوت‌ها میان دوقلوها به قدری است که دست‌کم والدین

«فاطر» که اختلاف الوان مردمان، جانوران، دام‌ها و میوه‌ها طرح شده، برخی مفسران به معنای اختلاف نوع در الوان آنها اشاره کرده‌اند. (۲۴)

سرانجام در آیه محوری بحث یعنی در آیه بیست و دوم روم، مفسران متعددی با وجود اشاره به اختلاف رنگ چهره افراد، تفاوت سیمای انسان‌ها را نیز مشمول بیان آیه دانسته‌اند. مثلاً زمخشری و بیضاوی بر این باورند که آیه مزبور، شامل صورت‌ها و چهره‌نگاری‌ها و انواع آنهاست و با همین اختلافات، شناخت افراد امکان‌پذیر می‌گردد و گرنه چنانچه همه قیافه‌ها به یک شکل بود اشتباه پیش می‌آمد. از این رو، گاه میان افراد دوقلوی هم‌شکل، تشخیص مشکل می‌گردد و از همین جا حکمت تفاوت چهره انسان‌ها روشن می‌شود که با وجود شمار بسیار زیاد آنها و به دنیا آمدن آنها از یک ریشه، مختلف و متفاوت‌اند. (۲۵)

فخر رازی نیز آیه مزبور را اشاره به اختلاف میان انواع انسان‌ها می‌داند که با وجود شمار فراوان آنها و کوچکی حجم چهره و قدشان، با یکدیگر اشتباه نمی‌شوند؛ در حالی که آسمان‌ها با وجود بزرگی و تعداد اندکشان، از جهت شکل ظاهری با یکدیگر اشتباه می‌شوند. (۲۶)

آلوسی نیز پس از بیان سخنی شبیه زمخشری تصریح می‌کند الوان در آیه مزبور، به معنای انواع است؛ چنان‌که به اقسام سخنان و غذاها «ألوان الحدیث و ألوان الطعام» گفته می‌شود. وی چنین تفسیری را اعم از تفسیر آیه بخصوص تفاوت رنگ چهره افراد دانسته است. (۲۷)

علامه طباطبائی در ذیل آیه مزبور می‌نویسند: ظاهراً مراد از آیه، اختلاف رنگ چهره انسان‌ها از قبیل سفید، سیاه، زرد و سرخ است، ولی می‌توان اختلاف الوان را تفاوت هریک از افراد انسانی بر حسب چهره دانست که با نظر دقیق با دیگری متفاوت است. (۲۸)

آنها می‌توانند میان آن دو فرق بگذارند.

در مرتبه بعد از خانواده، اقوام نسبی قرار دارند که باز در عین تفاوت‌ها میان افراد، از برخی مشابتهای ویژه مربوط به طائفه خود برخوردارند به گونه‌ای که مثلاً عموزادگان یا دایی‌زادگان در مقایسه با یکدیگر شباهت‌های خویشاوندی در چهره دارند و بیگانگان نیز به راحتی متوجه چنین مشابتهایی می‌شوند.

در مرتبه بالاتر، در مناطق پیوسته جغرافیایی که گاه یک شهر یا یک استان را تشکیل می‌دهد، باز میان افراد به اصطلاح هم‌شهری، معمولاً مشابتهایی منطقی‌تر مشاهده می‌شود هرچند ممکن است آن مشابتهای بر اثر زندگی در شرایط زیست محیطی خاصی پدید آمده باشد. ضمن اینکه میان این افراد اختلاف‌هایی نیز وجود دارد. در مرحله وسیع‌تر، قومیت‌های گوناگون مانند اقوام کرد، لر، ترک و... نامبردارند که به رغم زندگی در مناطقی گاه پراکنده و حتی در استان‌های مختلف، مشابتهایی قابل توجه دارند. در مرتبه بعد ساکنان یک کشور و نهایتاً در هریک از قاره‌های جهان، افراد انسانی با یکدیگر دسته‌هایی از اشتراکات و تفاوت‌ها را نمایش می‌دهند و با احتساب این همه اشتراک و تفاوت، رقمی نجومی و شگفت‌انگیز به دست می‌آید که نشان از قدرتی بی‌انتها در آفرینش و تصویرگری آنها دارد.

از موضوعات دیگر که با گستراندن دامنه تفاوت‌ها و مشابتهای چهره‌ای، قلمروهای جدیدی به بحث پیشین می‌گشاید دو معیار جنسیت (ذکور و اناث) و سن افراد است؛ بدین بیان که با لحاظ عامل جنسیت مذکر یا مؤنث، میان هریک از این دو جنس، تفاوت‌ها و اشتراکات قیافه‌ای دیده می‌شود که ضمن جداکردن هر جنس از مرد و زن از جنس مخالف، مشابتهای هر دسته با یکدیگر را نمایان می‌کند. یعنی گروه مردان دنیا - با

قطع نظر از نسبت خانوادگی یا ارتباط شهری یا طایفه‌ای یا حتی یکسانی و اختلاف در کشور و قاره - مشابتهای چهره‌ای با هم دارند که آنها را از گروه زنان عالم متمایز می‌کند. همچنین معیار سن افراد، بدون لحاظ ارتباطات پیش‌گفته، به وجودآورنده دسته‌های گوناگونی از مشابتهای و تفاوت‌های چهره‌ای است و از این لحاظ نیز انسان‌ها بر حسب گروه‌های سنی، قیافه‌هایی مشابه با هم دارند به گونه‌ای که گاهی با دیدن چهره‌ای خاص، می‌توان به سن تقریبی وی پی برد. پس دو عنصر جنسیت و سن نیز بر حجم انبوه تفاوت‌ها و اشتراکات چهره‌ای می‌افزاید.

### نگارگری خارق‌العاده

بیان موضوع چهره‌پردازی شگفت انسان‌ها در کنار آفرینش آسمان‌ها و زمین در آیه مورد بحث (۲۲ روم) بیانگر عظمت این نشانه است و از سوی دیگر بر اساس نکات پیش‌گفته، شگفتی قدرت الهی در خلقت انسان‌ها آشکار می‌شود که میلیاردها میلیارد صورت را متفاوت با یکدیگر در عین مشابتهایی در قلمروهای گوناگون آفریده است. برای نزدیک کردن اهمیت این موضوع به ذهن، می‌توان به کارخانه عروسک‌سازی اشاره کرد که بنا به فرض، بخواهد میلیاردها میلیارد عروسک را در انواع مختلف و متفاوت با هم چهره‌پردازی کند؛ به گونه‌ای که هر عروسک ضمن داشتن مشابتهای متنوع با هریک از موارد در دسته‌های گوناگون، تفاوت‌های تمایزبخشی نیز با بقیه داشته باشد؛ چنین حجم انبوهی از شباهت‌ها و تفاوت‌ها با توجه به تعدد موارد، رقمی نجومی را پدید خواهد آورد که حتی محاسبه آن، از عهده فکر بشر برنمی‌آید.

فرید وجدی در *دائرةالمعارف* خود از قول نیوتن، دانشمند معروف غربی، چنین نقل می‌کند که می‌گوید:



ظاهری انسان با وجود تعداد محدود و اندکشان، به گونه‌ای از سوی خداوند صورت‌گیری می‌شوند که هریک از افراد بشر از دیگری متمایز و جدا می‌شود.<sup>(۳۱)</sup>

یکی از تفاوت‌های فردی میان همه انسان‌ها که باز عظمت نگارنگری خداوند را در آفرینش انسان‌ها نمود داده و در قرآن نیز اشاره شده است، گوناگونی در خطوط سرانگشتان است. خداوند در آیه چهارم از سوره «قیامت» می‌فرماید: ﴿بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ﴾؛ آری [بلکه] تواناییم که [خطوط] سر انگشتانش را [یکایک] درست [و بازسازی] کنیم.

برحسب تحقیقات انجام گرفته طرح خطوط سرانگشتان هر فردی با فرد دیگر متفاوت است و همین نکته، منشأ پیدایش موضوعی به نام اثر انگشت یا انگشت‌نگاری شده که مبنای صحیحی برای تشخیص هویت به شمار می‌آید. آزمایش‌های مختلف نشان می‌دهد حتی سربند انگشتان افراد دو قلوبی تک‌تخمی نیز تا حدودی با یکدیگر متفاوت است.<sup>(۳۲)</sup> این خطوط در طول عمر انسان با وجود رشد سطح پوست اپیدرم، همچنان ثابت باقی می‌ماند و در صورت سوختگی یا عوارض پوستی، پس از التیام، بار دیگر به همان نقش قبلی خویش بازمی‌گردد.<sup>(۳۳)</sup>

نکته جالب توجه اینکه این نگارگری شگفت و شگرف در این حد از وسعت و تنوع، از میان همه مخلوقات الهی، تنها در خصوص انسان‌ها وجود دارد که گل سرسبد هستی و پدیده عجیب خلقت محسوب می‌شود که صورتگر هستی با آفرینش آن، بر خود آفرین گفت.<sup>(۳۴)</sup> اما چنین پیچیدگی اعجاب‌آوری در چهره، میان سایر آفریدگان محسوس اعم از جمادات، نباتات و حیوانات، مشاهده نمی‌شود.

«درباره آفریدگار جهان و خداوند هرگز شک نکنید، زیرا معقول نیست ضرورت و علت و معلول فاقد شعور به تنهایی رهبر وجود باشد، چون ضرورت کور و یکسان در هر مکان و هر زمان متصور نیست که این همه کائنات متنوع و موجودات رنگارنگ از او صادر گردد، و ممکن نیست که وجود با نظام و ترتیب اجزایش و تناسب‌های لازم و هماهنگ با تغییرات زمان و مکان ظاهر گردد، بلکه همه این امور حتماً باید از مبدئی سرچشمه گرفته باشد که دارای علم و حکمت و اراده است.»<sup>(۲۹)</sup>

موضوع صورت‌گیری شگفت خداوند متعال در آیاتی دیگر نیز اشاره شده است. از جمله آنها در سوره «انفطار» آیه هشتم می‌فرماید: ﴿فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ﴾؛ و به هر صورتی که خواست، تو را ترکیب کرد. این صورت‌گیری برحسب بیان برخی تفاسیر عرصه بسیار گسترده‌ای دارد. علامه طباطبائی ذیل آیه مزبور، ترکیب کردن انسان‌ها را در قلمروهای گوناگونی از قبیل مذکر و مؤنث، سیاه و سفید، قدبلند و قدکوتاه، زیبا و زشت، قوی و ضعیف و غیر اینها مشمول حکم آیه مزبور دانسته است.<sup>(۳۰)</sup>

در آیه ششم «آل عمران» نیز فرموده است: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَآ إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾؛ (اوست کسی که شما را آن‌گونه که می‌خواهد در رحم‌ها صورت‌گیری می‌کند. هیچ معبودی جز آن ارجمند حکیم نیست.) این موضوع صورت‌گیری در رحم هرچند به چهره‌پردازی ظاهری اختصاصی ندارد، ولی قطعاً آن را شامل می‌شود. به هر حال نکته جالب توجه این است که بر حسب این کریمه، نگارگری شگفت خدای متعال از چهره آدمیان، با همه اوصاف - اعم از اشتراکات و ویژگی‌ها - در ظرف رحم مادر، به انجام می‌رسد که خود از آیات الهی محسوب می‌شود. مرحوم بلاغی در این‌باره می‌نویسد: «از جمله این آیات این است که اعضا و جوارح

## تفاوت نغمه‌ها

یکی دیگر از آیات الهی که در آیه ۲۲ سوره روم به آن اشاره شده، اختلاف میان انسان‌ها از جهت موسیقی صدا یا آوای حنجره آنهاست که شبیه بحث مربوط به تفاوت چهره‌های آدمیان، وجود تنوع در عین تشابه در موسیقی صدای انسان‌ها از شگفتی‌های خلقت محسوب می‌شود.

از جهت لغوی، معنای اصلی و اولیه واژه لسان، ابزار سخن‌گویی در انسان یا همان عضو عضلانی داخل دهان آدمی است. بیشتر لغت‌نویسان عربی، نخستین معنای این واژه را همین معنا بیان کرده‌اند. (۳۵) چنان‌که ابن فارس عضو مزبور را از مصادیق اصل و ریشه معنایی این کلمه دانسته است. (۳۶) معنای دیگری که برای این واژه گفته‌اند لغت و کلام است. (۳۷)

درباره کاربردهای قرآنی واژه لسان - به صورت مفرد یا جمع - نویسندگان مباحث و کتاب‌های وجوه و نظائر قرآن چند معنای متفاوت بیان کرده‌اند. اسماعیل بن احمد حیری نیسابوری (م ۴۳۱) پنج وجه معنایی برای آن بیان کرده است:

۱. عضو مخصوص گفتار: مانند آیات ﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ﴾ (آل عمران: ۷۸)؛ ﴿لَيَأْتِيَنَّكُمْ﴾ (نساء: ۴۶)؛ ﴿وَلِسَانًا وَشَفْتَيْنِ﴾ (بلد: ۹) و ﴿يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ (فتح: ۱۱).

۲. دعاء: مانند ﴿عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ﴾ (مانده: ۷۸).

۳. لغت: مانند ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ﴾ (ابراهیم: ۴)؛ ﴿لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَبِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ﴾ (نحل: ۱۰۳).

۴. ثناء: مانند ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ (شعراء: ۸۴)، ﴿لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ (مریم: ۵۰).

۵. کلام: مانند ﴿هُوَ أَفْضَحُ مِنِّي لِسَانًا﴾ (قصص: ۳۴). (۳۸)

حسین بن محمد دامغانی نیز به چهار وجه از وجوه مذکور - به استثنای وجه پنجم - اشاره کرده است. (۳۹) اما حیثیت تغلیسی تنها دو وجه اول و چهارم را کاربردهای واژه مزبور در قرآن دانسته است. (۴۰)

به هر حال مسلماً این واژه، در اشاره به عضو ویژه سخن‌گویی در قرآن کریم به کار رفته است. اما در آیه مورد بحث، جمله واژه «واختلاف السننکم» به کدام یک از معانی پیش‌گفته اشاره دارد؟

در نگاه اولیه، ممکن است به نظر رسد مقصود از آن، اختلاف لغات میان انسان‌ها باشد، ولی با توجه به سه نکته، شاید بتوان همان معنای اولی (عضو ویژه) را از این واژه، برداشت کرد:

۱. معنای اصلی و اولیه واژه لسان، همان عضو عضلانی است و حتی برخی از واژه‌پژوهان عرب، اساساً معنای لغت را ذیل این واژه، ذکر نکرده‌اند. (۴۱)

۲. واژه لسان، دارای دو صیغه جمع السن و السنه است؛ با این تفاوت که در فرض مذکور بودن آن، به السن جمع بسته می‌شود و در فرض مؤنث بودن، جمع آن السن است. (۴۲) برخی از اهل لغت، در ادامه این نکته، تصریح کرده‌اند که اگر مقصود از لسان، لغت باشد، کاربرد مؤنث، محسوب می‌شود و در نتیجه جمع آن السن، خواهد بود نه السنه. (۴۳) پس با فرض پذیرش این سخن، اگر مقصود از اختلاف السننکم در آیه، اختلاف لغات میان انسان‌ها بود، می‌بایست از واژه جمع السن استفاده می‌کرد.

۳. در صورتی که آیه مزبور را به تفاوت لغات انسان‌ها تفسیر کنیم، شبهه‌ای بدین بیان پدید می‌آید که اختلاف لغات و گویش‌های زبانی بر اثر وضع و قرارداد انسان‌هاست و به خداوند استناد مستقیم ندارد. از این رو برخی از مفسران برای حل این شبهه، استناد موضوع مزبور به خداوند متعال را از باب اسناد مجازی توجیه



آیه ۲۲ سوره روم استناد می‌فرمایند که بیانگر اختلاف چهره و نغمه آدمیان است. (۴۷)

اما علامه طباطبائی در توضیح آیه فرموده‌اند: ظاهراً مقصود از اختلاف السنه، اختلاف زبان‌ها مانند عربی، فارسی، اردو و... است، ولی ممکن است بتوان اختلاف موسیقی صداها و کیفیت تکلم و نطق آدمیان را از آیه استفاده کرد. (۴۸)

مفسران اهل سنت نیز به فهمی مشابه شیخ طوسی از آیه دست یافته‌اند. زمخشری در تفسیر اختلاف السنه گفته است: مقصود، تفاوت لغات یا انواع و اقسام صداها و نغمه‌هاست. وی در ادامه به تفاوت‌هایی که خداوند میان اصوات انسان‌ها از جهت آهستگی و بلندی، تیزی و نرمی، گویایی و نارسایی و... قرار داده است اشاره کرده و گفته است هیچ‌گاه دو انسان کاملاً مشابه در جهات مزبور نمی‌توان یافت. (۴۹) فخر رازی نیز در توضیحاتی نسبتاً مفصل، این اختلاف را به تفاوت تکلم انسان‌ها تفسیر کرده و نوشته است: دو برادر عرب زبان وقتی با زبانی واحد با هم سخن می‌گویند می‌توان آن دو را از یکدیگر بازشناخت، به گونه‌ای که اگر کسی آن دو را نبیند، می‌تواند فرد صاحب صدا را تشخیص دهد. این موضوع، حکمتی رسا به همراه دارد؛ زیرا هرکسی نیازمند تشخیص انسان‌ها از یکدیگر است تا صاحب حق را از غیر او و دشمن را از دوست بازشناسد. البته این تشخیص، گاهی با دیدن و گاهی با شنیدن صدای آنها، حاصل می‌شود، اما سایر حواس، مانند قوای لامسه و بویایی و چشایی در این شناخت، کمکی نمی‌کند. فخر رازی در ادامه، به دیدگاهی اشاره کرده که تفاوت السنه در آیه را به معنای اختلاف لغات عربی، فارسی، رومی و... دانسته است، ولی به نظر وی، دیدگاه اول صحیح‌تر است. (۵۰)

کرده‌اند. جالب اینکه علاقه و ارتباط در این مجازگویی را انتساب خلقت ابزارهای گویش مانند زبان، حنجره، تارهای صوتی و... به خداوند دانسته‌اند. (۴۴)

با لحاظ مجموعه سخنان پیش‌گفته در صورتی که مقصود از زبان در آیه را عضو عضلانی مخصوص بدنیم، اختلاف زبان آدمیان، قابل تطبیق بر همان اختلافات آوایی و نغمه‌ای میان آنهاست؛ زیرا در چنین فرضی روشن است منظور از اختلاف میان عضو مخصوص در انسان‌ها، تنوع در اندازه، شکل یا رنگ زبان آنها نیست، بلکه مقصود، تفاوت دستگاه گفتاری اعم از زبان، حنجره و تارهای صوتی آنان است؛ چنان‌که مفسران متعددی، آیه مورد بحث را شامل تفاوت‌های نغمه‌ای آدمیان دانسته‌اند. شیخ طوسی، اختلاف السنه انسان‌ها را به اختلاف در شکل و هیئت نغمه‌ها و تفاوت مخارج و به تعبیری به گوناگونی در تارهای صوتی آنها تفسیر کرده است. (۴۵)

مرحوم طبرسی در توضیحاتی مفصل‌تر نگاشته است: اختلاف زبان در آیه، به معنای تفاوتی است که خداوند در شکل و هیئت و ترکیب زبان انسان‌ها قرار داده و به حدی نغمه‌ها و صداها می‌تواند متفاوت است که آهنگ سخن دو نفر حتی دو برادر، کاملاً شبیه به یکدیگر نیست. ایشان در ادامه، به دیدگاه تفسیر اختلاف السنه به تفاوت گویش‌ها و لغات مانند زبان عربی، عجمی و... نیز اشاره کرده است. (۴۶) در تأیید این دیدگاه، برخی تفاسیر روایی به روایتی از امام صادق علیه السلام طبق نقل کتاب شریف کافی اشاره کرده‌اند که آن حضرت، شناخت امام از افراد مختلف را بدین بیان تحلیل فرموده‌اند: هنگامی که امام به مردی نظر افکند، وی را و چهره‌اش را می‌شناسد و اگر صدای او را از پشت دیوار بشنود باز او را تشخیص می‌دهد. این روایت، ناظر به علم گسترده امام است ولی در ادامه روایت، امام صادق علیه السلام، به آیه مورد بحث یعنی

### اختلاف در عین اشتراک در نغمه‌های انسانی

شبیبه بحثی که در موضوع چهره‌ها گذشت، در نغمه‌های انسانی نیز گفتنی است؛ زیرا تا حدی همان مجموعه‌های انسانی مشابه و مختلف، در حوزه صداها نیز دیده می‌شود، هرچند ممکن است درجه تشخیص آن برای افراد، در حد تشخیص تفاوت چهره نباشد.

در میان اعضای خانواده، مشابهت‌های مهمی در آهنگ صدای آنان قابل درک است که جداکننده آنان از بیگانگان و بیانگر ارتباط و قرابتشان با یکدیگر است، به حدی که گاهی افراد بیگانه، با شنیدن صدای یکی از اعضای خانواده‌ای خاص به صورت غیرمستقیم - مثلاً از طریق گوشی تلفن - ضمن آگاهی از انتساب صدا به یکی از آن اعضا، در تشخیص دقیق صاحب صدا به مشکل برمی‌خورند؛ هرچند بر اساس اصل وجود اختلاف میان آهنگ صدای افراد، تفاوت‌های قابل تشخیصی دست‌کم برای اعضای خودخانواده میان آوای حنجره آنان وجود دارد. در مرحله بالاتر یعنی در میان اقوام و خویشان نسبی نیز تا حدی این تشابه هست؛ گرچه با توجه به نکته‌ای که در ابتدای بحث از نغمه‌ها گفته شد، ممکن است تشخیص آن به آسانی درک تفاوت قیافه‌ها نباشد.

در قلمرو وسیع‌تر یعنی در میان افراد هم‌شه‌ری یا هم‌استانی نیز فارغ از تشابه در لهجه و گویش محلی آنان، به نظر می‌رسد مشابهت جالب توجهی در موسیقی صدای آنان وجود دارد، به گونه‌ای که اگر به زبانی غیر از زبان محلی خود نیز سخن بگویند این تشابه درک می‌شود. چنان‌که در حوزه قومیت‌هایی مانند کردی، ترکی، لری و... نیز چنین تشابهی هست که ضمن دلالت بر ارتباط خاص میان آنان، مرز جدایی آنان از سایر گروه‌هاست؛ ضمن اینکه اختلاف فردی در تن صدا نیز به قوت خود باقی است.

شبیبه موضوع چهره، دو موضوع جنسیت و سن آدمیان نیز در این بحث، اثرگذار است؛ زیرا در دو جنس مرد و زن (بدون توجه به قلمروهای پیش‌گفته) تشابه و تفاوت صدا به گونه‌ای است که در معمول افراد، به راحتی می‌توان با شنیدن صدای شخص به جنسیت وی پی برد و حتی بدون رؤیت وی، تنها با استماع سخن صاحب صدا مرد یا زن بودن وی را تشخیص داد. همین‌گونه، در موضوع سن نیز، بی‌آنکه قلمروهای مزبور لحاظ شود، مشابهت و تفاوت میان انسان‌ها مشهود است. بدین صورت که افراد هر گروه سنی، آوای صدایی مشابه دارند و با استماع صدای هر فردی، حتی بدون دیدن او، سن تقریبی وی قابل تشخیص است.

این مجموعه‌های عظیم و متنوع از مشابهت‌ها و تفاوت‌ها در تارهای صوتی آدمیان شبیه موضوع چهره‌ها، بیانگر قدرتی خارق‌العاده در خلقت آنهاست؛ زیرا در این موضوع نیز تنظیم و اندازه‌گیری طیف‌های وسیعی از موسیقی صدا، با رعایت مشابهت‌ها و اختلافات، کمیتی نجومی از تنوع پدید می‌آورد که با محاسبات بشری و عادی قابل محاسبه و تنظیم نیست. برای تقریب به ذهن می‌توان به نُت‌های موسیقی مثال زد که فرضاً میلیاردها نغمه متفاوت با دسته‌هایی متعدد از آوای مشابه تولید شود، به گونه‌ای که ضمن وجود مشابهت میان افراد و مجموعه‌ها، آن افراد و گروه‌ها، با یکدیگر تفاوت‌های محسوسی نیز داشته باشند. توجه به این حجم بهت‌آراز تشابه و اختلاف، عظمت خلقت را در تنظیم آوای انسان‌ها آشکار می‌سازد.

در این بحث نیز بر این نکته تأکید می‌شود که این پدیده شگفت خلقت، در این حجم گسترده و متنوع، از میان مخلوقات بی‌شمار خداوند، تنها در بین مجموعه‌های انسانی وجود دارد و در مقایسه با دیگر

اشتراکات با یکدیگر دارد و در نتیجه هر قدر این اشتراکات ملموس تر و محسوس تر باشد، در ایجاد ارتباط میان افراد معمولی و عادی بشر مؤثرتر خواهد بود و نهایتاً چنین ارتباطاتی موجب تشدید محبت و کمک‌رسانی انسان‌ها به یکدیگر می‌شود.

#### ب. اختلاف، عامل شناسایی و جداسازی

وجود تمایز میان افراد و دسته‌های انسانی از نعمت‌های خداوند است که ارزش آن، با توجه به فرض فقدان آن روشن می‌شود؛ زیرا اگر تفاوت‌های موجود میان انسان‌ها نبود، زندگی عادی بر اثر مشابهت آنان، در محدوده‌های گوناگون خانواده، شهر و حتی کشور با مشکلات جدی مواجه می‌گشت - مثلاً در میان خانواده در صورت تشابه کامل فرزندان با یکدیگر، هرج و مرج عجیبی در ارتباط میان والدین و فرزندان پدید می‌آمد؛ چنان‌که در سطح اقوام و همشهری‌ها و هم‌وطنان نیز با وجود تشابه همه‌جانبه در بین آنان، ارتباط، شناسایی و ابراز محبت میان آنان مختل می‌گشت.

قرآن کریم در آیه‌ای مستقل، به موضوع اختلافات میان انسان‌ها - که موجب شناسایی می‌گردد - پرداخته است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن بیافریدیم، و شما را شاخه‌ها و تیره‌ها کردیم تا یکدیگر را بازشناسید. هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. همانا خدا دانا و آگاه است.

مفسران برای دو واژه شعوب و قبائل، معانی متعددی برشمرده‌اند که پرداختن به آنها ضرورتی ندارد. (۵۲) اما آنچه در ارتباط با موضوع این پژوهش، مهم می‌نماید، حلقه واسطه میان وجود شعوب و قبائل در انسان‌ها و

آفریدگان، چنین حجمی از تشابه و تفاوت صوتی وجود ندارد یا دست‌کم برای ما محسوس نیست.

البته با قطع نظر از اشاره آیه به معنای تفاوت نغمه‌های انسانی، اصل تنوع و تعدد بسیار گسترده در زبان‌های مردم دنیا که به اختلاف لغات و کاربرد کلمات مربوط می‌شود نیز شگفتی‌زاست. گرچه در شمارش زبان‌های مختلف آمار یکسانی ارائه نشده است، بر حسب برخی از آمارها، شمار زبان‌های موجود در جهان قابل توجه است: در قاره آسیا: ۱۵۶۲ زبان، در قاره آفریقا: ۱۶۰۰ زبان، در جزایر اقیانوس آرام: ۱۰۳۴، در آفریقای شمالی و جنوبی: ۸۱۲؛ در اروپا ۵۵ و در خاورمیانه ۴۰ زبان شمرده شده است که مجموع اینها بالغ بر ۵۱۰۳ زبان متنوع می‌شود. (۵۱)

#### فواید اشتراک و اختلاف در چهره‌ها و نغمه‌ها

موضوع پیچیده تفاوت در عین همگونی در صورت و صدای آدمیان، ضمن ارائه قدرت خارق‌العاده آفریننده هستی، برای ایجاد سهولت در زندگی انسان‌ها نیز نقش آفرین است و فوایدی به همراه دارد، به گونه‌ای که در فرض فقدان این اشتراک و اختلاف، معیشت انسانی با مشکل مواجه می‌گشت. اینک به دو فایده، اشاره می‌شود:

#### الف. اشتراک، زمینه‌ساز شناخت، ارتباط، محبت و

##### یاری‌رسانی

وجود مشابهت‌های چهره‌ای و آوایی میان افراد انسانی، موجب ایجاد حسی متقابل در جهت درک قرابت و یگانگی میان آنان و زمینه‌ساز اطلاع آنان از این نزدیکی می‌گردد و در نتیجه رابطه و دوستی میان آنان را مستحکم می‌کند؛ زیرا اساس پیوند و مهم‌ترین عامل ایجاد رابطه میان مجموعه‌های انسانی، بستگی به میزان درک آنان از

دسته‌های مختلف آنها در عین مشاهده مشابهت میان هریک از افراد و دسته‌ها، شگفتی‌زا و بیانگر قدرت بی‌پایان خداوند در صورتگری آنهاست.

۳. اختلاف در السنه نیز که در آیه مزبور به آن اشاره شده، می‌تواند شامل تفاوت‌های آوایی در حنجره انسان‌ها باشد که باز با عنایت به اختلافات و اشتراکات در موسیقی صدای افراد و گروه‌های انسانی، طیف وسیعی از مشابهت‌ها و تفاوت‌ها شکل می‌گیرد که نشان از شگفتی خلقت دارد.

۴. فایده اشتراک در قیافه و صدای انسان‌ها ایجاد حس متقابل نزدیکی و دوستی و نتیجه اختلاف در این دو موضوع، تمایز انسان‌ها و شناخت آنها از یکدیگر است.

#### پی‌نوشت‌ها

- ۱- ر.ک: فرج‌الله فرج‌اللهی، مکتب اسلام، سال ۴۲، ش ۹.
- ۲- فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۵۴۳.
- ۳- کذلک در این آیه اشاره به اختلاف میان میوه‌ها و کوه‌هاست که در آیه پیش از آن، بیان شده است، ولی در این مقاله به جهت تفاوت میان قلمرو اشبایی که در مورد آنها تعبیر الوان به کار رفته، موضوع اختلاف در مردمان و جانوران و دام‌ها به جهت گستره وسیع‌تری که دارند، بر اختلاف میان میوه‌ها و کوه‌ها مقدم شده است.
- ۴- محمدبن درید، ترتیب جمهره اللغه، ج ۳، ص ۳۰۶.
- ۵- احمدبن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۵، ص ۲۲۳.
- ۶- اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۶، ص ۲۱۹۷.
- ۷- ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۱۳، ص ۳۹۳.
- ۸- ر.ک: احمدبن محمد فیومی، مصباح‌المنیر، ص ۵۶۱.
- ۹- عبارت راغب اصفهانی چنین است: و قوله: وَ اِخْتِلَافُ اَلْبَسِيَّتِكُمْ وَ اَلْوَانِكُمْ [روم: ۲۲] فإشارة إلى أنواع الألوان و اختلاف الصور التي يختص كل واحد بهيئة غير هيئة صاحبه، و سحناء غير سحنائه مع كثرة عددهم، و ذلك تنبيه على سعة قدرته. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۵۲) از این عبارت با توجه به تأکید وی بر تنوع میان اشکال چهره‌ها و هیئت متنوع انسان‌ها به رغم کثرت شمار آنها، چنین برمی‌آید که راغب، الوان در آیه را به تفاوت رنگ میان انسان‌ها که قلمرو محدودی دارد محدود نمی‌داند.

حصول شناخت و بازشناسی یکدیگر، و به تعبیر دیگر راه تشخیص وابستگی هریک از افراد انسانی به شعب یا قبیله‌ای خاص است. مقصود از این حلقه واسطه یا راه تشخیص، علایم و نشانه‌های محسوس و وابستگی است که زمینه‌ساز شناخت می‌گردد. در میان آن علایم - چنان‌که پیشتر نیز گذشت - دو مشخصه قیافه و آهنگ صدا که مربوط به دو حس بینایی و شنوایی‌اند، از اهمیت و فراگیری خاصی در جهت معرفی و جداسازی افراد از دیگران برخوردارند که حواس دیگر یعنی چشایی و بویایی و لامسه چنین کارکردی ندارند. نتیجه اینکه اگر شعوب و قبائل شدن انسان‌ها در آیه مذکور، زمینه‌ساز شناخت یکدیگر معرفی شده است، این شناسایی وابسته به مشخصه‌های شناسایی یعنی چگونگی قیافه و آوای صدای انسان‌هاست. البته تأثیر عناوین و اسامی افراد و قبائل و گروه‌ها در مسیر شناختن آنها انکارناپذیر است، ولی هرگز این عامل شناسایی به پایه اهمیت و دقت دو موضوع چهره و صدا نمی‌رسد. ضمن اینکه به فرض اختلال در شناسایی از طریق چهره و صدا، هرگز نام و عنوان افراد نشان هویت آنها نخواهد بود و به تعبیر دیگر نام افراد و گروه‌ها، تنها با کمک قیافه و نغمه آنان، می‌تواند وضعیت انتساب آنان به هر دسته و گروه را تعیین کند؛ از این رو، الصاق عکس و بیان مشخصات فردی چهره، در کارت‌های شناسایی ضروری شده است.

#### نتیجه‌گیری

۱. اختلاف در الوان انسانی، اشاره شده در آیه بیست و دوم از سوره روم، با توجه به معنای لغوی واژه لون و کاربردهای دیگر این لغت در قرآن، شامل تفاوت‌های چهره‌ای میان انسان‌ها است.
۲. تفاوت میان قیافه‌های انسانی، با ملاحظه

- ۱۰- همان.  
 ۱۱- ر.ک: محمّدين على صدوق، معانى الاخبار، ص ۱۸۰؛ محمّدياقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۰۸ و ج ۱۱، ص ۱۷۶ و ج ۲۶، ص ۳۲۱ و ج ۲۷، ص ۱۱.  
 ۱۲- محمّدين على صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۰۸؛ حسن بن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۳۵۴.  
 ۱۳- محمّدين على صدوق، من لا يحضره الفقيه، باب النوادر، ج ۳، ص ۵۵۱.  
 ۱۴- ر.ک: محمّدين يعقوب كليني، كافي، ج ۵، ص ۱۸۳؛ جعفر بن محمّد طوسی، امالی، ص ۵۳۷؛ محمّدين حسن حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ۲۴، ص ۳۶۲.  
 ۱۵- نهج البلاغه، ترجمه محمّد دشتی، نامه ۴۵.  
 ۱۶- مالک بن انس، موطأ، ج ۲، ص ۶۲۸.  
 ۱۷- احمد بن حسين بيهقي، سنن البيهقي الكبرى، ج ۱، ص ۱۵۹؛ علاء الدين متقي هندی، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، ج ۱، ص ۵۶۱؛ سليمان بن احمد طبرانی، المعجم الكبير، ج ۸، ص ۱۰۷.  
 ۱۸- احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۴۸۹.  
 ۱۹- محمّدين اسماعيل بخاری، صحيح بخاری، ج ۴، ص ۱۸۱۳.  
 ۲۰- محمّدين حسن طوسی، التبيان في تفسير القرآن، ج ۹، ص ۲۰؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البيان، ج ۸، ص ۷۷۲.  
 ۲۱- محمود بن عمر زمخشری، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ج ۴، ص ۱۲۲؛ عبدالله بيضاوی، انوار التنزيل و اسرار التأويل، ج ۵، ص ۴۰.  
 ۲۲- سيد محمّد حسين طباطبائي، الميزان في تفسير القرآن، ج ۱۲، ص ۲۱۵.  
 ۲۳- ر.ک: محمّدين محمّدرضا مشهدي قمی، كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۱۸۷؛ عبدالحق ابن عطيه، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، ج ۳، ص ۳۸۳؛ عبدالله بيضاوی، همان، ج ۳، ص ۲۲۲.  
 ۲۴- محمّدين حسن طوسی، همان، ج ۸، ص ۴۲۶؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البيان، ج ۸، ص ۶۳۴؛ محمود بن عمر زمخشری، همان، ج ۳، ص ۶۰۹؛ عبدالله بيضاوی، همان، ج ۴، ص ۲۵۸؛ محمّدين محمّدرضا مشهدي قمی، همان، ج ۱۰، ص ۵۵۸.  
 ۲۵- محمود بن عمر زمخشری، همان، ج ۳، ص ۴۷۳؛ عبدالله بيضاوی، همان، ج ۴، ص ۲۰۴.  
 ۲۶- فخر رازی، مفاتيح الغيب، ج ۲۵، ص ۹۲.  
 ۲۷- محمود آلوسی، روح المعاني، ج ۱۱، ص ۳۲؛ بروسوی نیز سختی شبيه آلوسی دارد. ر.ک: ابن عطيه بروسوی، تفسير روح البيان، ج ۷، ص ۲۰.  
 ۲۸- سيد محمّد حسين طباطبائي، همان، ج ۱۶، ص ۱۶۷؛ برخی مفسران ديگر که شبيه اين نظر را ابراز کرده‌اند عبارتند از: محمّدين محمّدرضا مشهدي قمی، همان، ج ۱۰، ص ۱۸۴؛ عبدالحق ابن عطيه، همان، ج ۴، ص ۳۳۳؛ ابن عجيبة، البحر المديد في تفسير القرآن المجيد، ج ۴، ص ۳۳۴؛ محمّد جواد مغنیه، تفسير الكاشف، ج ۶، ص ۱۳۷.  
 ۲۹- فريد وجدی، دائرة المعارف، ج ۱، ص ۴۹۶، ماده «اله».  
 ۳۰- سيد محمّد حسين طباطبائي، همان، ج ۲۰، ص ۲۲۵.  
 ۳۱- محمّد جواد بلاغی، آلاء الرحمن في تفسير القرآن، ج ۱، ص ۲۵۳.  
 ۳۲- اصول روان شناسی، ج ۱، ص ۱۹۰، به نقل از: صمد نورى زاد، آنسوی آيه‌ها، ص ۶۸.  
 ۳۳- همان.  
 ۳۴- مؤمنون: ۱۴.  
 ۳۵- ر.ک: خليل بن احمد فراهيدی، كتاب العين، ج ۷، ص ۲۵۶؛ محمّدين دريد، همان، ج ۳، ص ۲۷۹؛ احمد بن محمّد فيومی، همان، ج ۱ و ۲، ص ۵۵۳؛ ابن منظور، همان، ج ۱۳، ص ۳۸۵.  
 ۳۶- احمد بن فارس، همان، ص ۸۸۵.  
 ۳۷- احمد بن محمّد فيومی، همان، ج ۱ و ۲، ص ۵۵۳؛ ابن منظور، همان، ج ۱۳، ص ۳۸۵.  
 ۳۸- ر.ک: عبد الرحمن اسماعيل بن احمد حيرى نيسابورى، وجوه القرآن، ص ۵۱۱.  
 ۳۹- ر.ک: حسين بن محمّد دامغانی، الوجوه و النظائر، ج ۲، ص ۲۰۰-۲۰۱.  
 ۴۰- ر.ک: حبيش تفليسی، وجوه قرآن، ص ۲۵۵.  
 ۴۱- خليل بن احمد فراهيدی، همان، ج ۷، ص ۲۵۶؛ احمد بن فارس، همان، ص ۸۸۵؛ محمّدين دريد، همان، ج ۳، ص ۲۷۹.  
 ۴۲- محمّدين دريد، همان، ج ۳، ص ۲۷۹؛ احمد بن محمّد فيومی، همان، ج ۱ و ۲، ص ۵۵۳؛ ابن منظور، همان، ج ۱۳، ص ۳۸۵.  
 ۴۳- احمد بن محمّد فيومی، همان، ج ۱ و ۲، ص ۵۵۳؛ ابن منظور، همان، ج ۱۳، ص ۳۸۵.  
 ۴۴- محمّدين حسن طوسی، همان، ج ۸، ص ۲۴۱.  
 ۴۵- همان، ج ۸، ص ۲۴۱.  
 ۴۶- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البيان، ج ۸، ص ۴۷۰؛ نیز ر.ک: همو، تفسير جوامع الجامع، ج ۳، ص ۲۶۲.  
 ۴۷- محمّدين محمّدرضا قمی مشهدي، همان، ج ۱۰، ص ۱۸۵؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البيان، ج ۸، ص ۴۷۰؛ محسن فيض کاشانی، تفسير صافي، ج ۴، ص ۱۲۹.  
 ۴۸- سيد محمّد حسين طباطبائي، همان، ج ۱۶، ص ۱۶۷.  
 ۴۹- محمود بن عمر زمخشری، همان، ج ۳، ص ۴۷۳.  
 ۵۰- فخر رازی، همان، ج ۲۵، ص ۹۲. مفسرانی ديگر از اهل سنت نیز شبيه اين نظر را ابراز کرده‌اند: ر.ک: محمّدين جرير طبري، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج ۲۱، ص ۲۲؛ محمود آلوسی، همان، ج ۱۱، ص ۳۲؛ ابن عطيه بروسوی، همان، ج ۷، ص ۲۰؛ عبدالله بيضاوی، همان، ج ۴، ص ۲۰۴.  
 ۵۱- ر.ک: حسن معايرجي، «ترجمه قرآن به زبان‌های آفريقايي»، ترجمه يعقوب جعفري، ترجمان وحی، ش ۱۱، ص ۱۰۶.

- ۵۲- فضل بن حسن طبرسی، **مجمع البیان**، ج ۹، ص ۲۰۶؛ محمود بن عمر زمخشری، **الکشاف**، ج ۴، ص ۳۷۴؛ فخر رازی، همان، ج ۲۸، ص ۱۱۳؛ محمود آلوسی، همان، ج ۱۳، ص ۳۱۳.
- ..... **منابع** .....
- **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین، ۱۳۷۷.
- آلوسی، محمود، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن حنبل، احمد بن، **مسند**، قاهره، مؤسسه قرطبه، بی تا.
- ابن درید، محمد، **ترتیب جمهره اللغه**، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
- ابن عجبیه، **البحر الممدید فی تفسیر القرآن**، قاهره، بی تا، ۱۴۱۹ق.
- ابن عطیه، عبدالحق، **المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغه**، لبنان، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ق.
- ابن منظور، **لسان العرب**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- انس، مالک بن، **موطأ**، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۳ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح بخاری**، بیروت، دارالجیل، بی تا.
- بروسوی، ابن عطیه، **روح البیان**، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- بلاغی، محمدجواد، **آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن**، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۲۰ق.
- بیضاوی، عبدالله، **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- بیهقی، احمد بن حسین، **سنن البیهقی الکبری**، مکه مکرمه، دارالباز، ۱۴۱۴ق.
- تغلیسی، حبیب، **وجوه قرآن**، چ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح**، چ چهارم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
- حرانی، حسن بن شعبه، **تحف العقول عن آل الرسول**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- حیرری نیسابوری، ابو عبدالرحمن اسماعیل بن احمد، **وجوه القرآن**، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۲۲ق.
- دامغانی، حسین بن محمد، **الوجوه و النظائر**، قاهره، بی تا، ۱۴۲۱ق.
- رازی، فخرالدین، **مفاتیح الغیب**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- صدوق، محمد بن علی، **علل الشرائع**، قم، مکتبه داوری، بی تا.
- \_\_\_\_\_، **معانی الاخبار**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ق.
- \_\_\_\_\_، **من لایحضره الفقیه**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الکبیر**، چ دوم، موصل، مکتبه العلوم والحکم، ۱۴۰۴ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، **جوامع الجامع**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- \_\_\_\_\_، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طوسی، جعفر بن محمد، **امالی**، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۹ق.
- طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، بی جا، دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
- فیض کاشانی، محسن، **تفسیر صافی**، تهران، الصدر، ۱۴۱۵ق.
- فیومی، احمد بن محمد، **مصباح المنیر**، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
- قسّی مشهدی، محمد بن محمدرضا، **تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب**، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- متقی هندی، حسام الدین، **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.
- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۰.
- معایرجی، حسن، «ترجمه قرآن به زبان های آفریقایی و منابع فهم قرآن برای آفریقائیان»، ترجمه یعقوب جعفری، **ترجمان وحی**، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۱، ۱۰۵-۱۱۹.
- مغنیه، محمدجواد، **تفسیر الکاشف**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
- نوری زاد، صمد، **آنسوی آیه ها**، قم، آیت عشق، ۱۳۸۳.